

# هزار پنجره برای دیدن دنیا

انسیه موسویان



عنوان کتاب: برایت آشیانه‌ای ندارم  
شاعر: شاهین رهنما  
تصویرگری: هاله دارابی  
ناشر: مدرسه  
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۷  
شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه  
تعداد صفحات: ۳۲ صفحه  
بها: ۱۷۰۰ تومان

«برایت آشیانه‌ای ندارم»، عنوان مجموعه شعر تازه‌ای و راه می‌روند:

چشمه تند راه می‌رود  
کوه، ایستاده سربلند  
آب، حرف می‌زند زلال  
سنگ‌ها سکوت کرده‌اند  
...  
□

است از «شاهین رهنما» که تاکنون چندین مجموعه شعر برای نوجوانان، روانه بازار نشر کرده است. این مجموعه، شامل ۱۶ شعر است و از سوی ناشر، گروه سنی خاصی برای مخاطبان آن مشخص نشده است. از ظاهر کتاب و با نگاهی به سروده‌های آن، می‌توان گفت کتاب برای گروه سنی «د» یعنی نوجوانان دوره راهنمایی مناسب است.

«برایت آشیانه‌ای ندارم» مجموعه‌ای است نسبتاً موفق؛ به دلایلی که ذکر خواهد شد و می‌توانست مجموعه قوی‌تر و موفق‌تری باشد که باز هم دلایل آن را بر خواهیم شمرد. از میان ۱۶ سروده این کتاب، شعرهای «رودخانه»، «شبیه چشمه‌ها»، «کوه و چشمه»، «چاه»، «پنجره‌ها» و «پرند و درخت» جزو بهترین و زیباترین سروده‌های این کتاب هستند. یکی از دلایل زیبایی این شعرها استفاده مناسب از برخی آرایه‌های ادبی است. در این سروده‌ها، همه چیز زنده است و جان دارد. عنصر تشخیص یا جان‌دارپنداری به بهترین و زیباترین شکل ممکن در این شعرها نمود یافته است. جاده‌ها مثل انسان راه می‌روند؛ گاه درست و گاه اشتباه:

به پای جاده‌ها نگاه کن  
بین چه قدر راه رفته‌اند  
بین چه قدر راه را درست  
چه قدر اشتباه رفته‌اند

(شعر شبیه چشمه‌ها، ص ۱۰)

«کوه»، «آب»، «چشمه» و «سنگ» هم حرف می‌زنند

کوه ما ولی هنوز هم  
در سکوت خود نشسته است  
زیر بار سنگ‌های سخت  
غصه‌دار و دل شکسته است  
(شعر کوه و چشمه، ص ۱۳)  
شاعر «چاه کوفه» را، هم‌چون انسانی آگاه مورد خطاب قرار می‌دهد و درباره دردها و غم‌های حضرت علی(ع) با او صحبت می‌کند:

سلام ای چاه کوفه!  
سلام ای مخزن راز!  
من امشب مثل هر شب  
به سویت آمدم باز

...

□

بگو با تو چه می‌گفت  
که شب پُر می‌شد از آه  
علی صحبت که می‌کرد



چه حالی داشتی چاه؟!  
(شعر چاه، ص ۱۵)

تجربه نشان داده است که تأثیر و قدرت این گونه سروده‌ها که به شکل غیر مستقیم به مسائل مذهبی و شخصیت‌های دینی می‌پردازند، بسیار بیشتر و عمیق‌تر است.

از جمله عوامل تأثیرگذار بر زیبایی و قوت شعرها، خوب است از تصویرگری زیبا و خیال‌انگیز کتاب نیز که «هاله دارایی» آن را به عهده داشته، یاد کنیم. به ویژه طراحی خط نام شعرها که آن را علیرضا جوادی به عهده داشته و زیبایی و تمایز خاصی به صفحات کتاب بخشیده است. کتاب «برایت آشیانه‌ای ندارم»، نقاط ضعفی نیز دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

اولین نکته‌ای که سبب ضعف شعرها شده، غلبه شعار بر شعر است. هر جا شاعر پیام و حرف خود را در خلال شعر و به شکل غیر مستقیم بیان می‌کند، موفق است، اما آن‌جا که شاعر نقش معلم اخلاق را ایفا می‌کند و قصد پیام دادن و یا نتیجه‌گیری کردن از شعر را دارد، جوهره شعر کم می‌شود و «شعار» جای شعر را می‌گیرد:

یک نیمه از عمر همه

چه حالی داشتی چاه؟!

(شعر چاه، ص ۱۵)

«پرنده و درخت» نیز ساده و صمیمانه با هم گفت‌وگو می‌کنند. استفاده از کلمه «جان» بر صمیمیت این گفت‌وگو افزوده است:

- پرنده جان ببخشید

اگر که روی شاخه‌های سردم

برایت آشیانه‌ای ندارم

- درخت جان، ببخشید

که در نوکم ترانه‌ای ندارم

(شعر پرنده و درخت، ص ۲۲)

زبان ساده و روان و نزدیک به گفتار، از دیگر عواملی است که به این شعرها تمایز و زیبایی خاصی بخشیده است؛ به گونه‌ای که در بسیاری از موارد مخاطب احساس می‌کند شاعر مقابل او نشسته و ساده و بی‌پیرایه و به دور از هرگونه لفاظی و پیچیدگی در بیان، با او سخن می‌گوید. به عبارت دیگر، وزن و قافیه و محدودیت‌های شعری، خود را بر شاعر تحمیل نکرده‌اند، بلکه به دلیل استفاده از زبانی ساده و صمیمی، عناصر شعری و آرایه‌ها و... به‌طور طبیعی در شعر حل شده‌اند:

از برکه بدم می‌آید

من جاری آم، رودم

از اول عمرم تنها

من عاشق دریا بودم

(شعر رودخانه، ص ۶)

هزار غنچه آواز

به باغ حنجره دارم

برای دیدن دنیا

هزار پنجره دارم

□

هزار پنجره باز است

چرا چرا بنشینم؟

هزار پنجره باز است

که عاشقانه ببینم

(پنجره‌ها، ص ۱۶)

نگاه تازه و به دور از کلیشه شاعر در این سروده‌ها، از دیگر دلایل قوت آن‌هاست. این نگاه نسبتاً نو، در شعر «چاه» به خوبی مشهود است. در این شعر، بی‌آن‌که شاعر بخواهد ادعا کند و یا حرف‌های تکراری بزند و پیرو کلیشه‌های رایج در این گونه سروده‌ها باشد، «چاه» را مورد خطاب قرار می‌دهد و درباره حضرت علی(ع) و رنج‌ها و غصه‌های آن بزرگوار، از چاه می‌پرسد:

بگو با تو چه می‌گفت

که شب پُر می‌شد از آه

علی صحبت که می‌کرد

صرف دویدن می‌شود  
وقتی هدف تنها خداست  
رفتن، رسیدن می‌شود  
(شعر رسیدن، ص ۴)  
درختی اگر در دل باغ ماست  
بیاید با آن رفاقت کنیم  
نگهبان احساس سبزش شویم  
و در سایه‌اش استراحت کنیم  
(شعر درختان، ص ۲۸)

پرداختن به موضوعات کلیشه‌ای، بدون نگاه و دید تازه و تکرار حرف‌های دیگران، از دیگر نقاط ضعف برخی شعرهای این کتاب است که به عنوان مثال، می‌توان از شعرهایی با مضامین اجتماعی یاد کرد. به‌طور کلی استفاده از برخی مضامین اجتماعی در شعر کودک و نوجوان امروز، به صورت کلیشه درآمده است. از سویی، موضوعات اجتماعی مطرح شده در شعر کودک و نوجوان محدود است و چند موضوع را بیشتر در بر نمی‌گیرد و از سوی دیگر، شاعران در همین چند موضوع محدود نیز دچار نگاهی تکراری و کلیشه‌ای هستند. شعرهای «اره برقی»، «چرخ دستی ۱»، «چرخ دستی ۲»، «دوره‌گرد» و «تب» را می‌توان جزء این دسته از شعرهای کتاب مورد بحث داشت: شعرهایی که در آن «پدر» یک دوره‌گرد است که در سرمای زمستان مجبور به کار و دستفروشی است و هیچ حرف و نگاه تازه‌ای در آن نمی‌توان یافت و نموده‌های مشابه آن را در شعر بسیاری از شاعران کودک و نوجوان خوانده‌ایم. حتی زبان و بیان شاعر هم در این گونه سروده‌ها تکراری است:

هوای کوچه برفی است  
هوای کوچه سرد است  
پدر در کوچه تنه‌است  
پدر یک دوره‌گرد است  
(شعر دوره‌گرد، ص ۳۱)  
دوباره چرخ دستی پُر از سر و صدا  
و یک نفر که داد می‌زند  
«نمک»

و آن طرف، کنار تیر برق  
کسی شبیه یک پدربزرگ عینکی  
دوباره توی کوچه التماس می‌کند:  
«کمک!»

(شعر چرخ دستی ۲، ص ۲۵)

استفاده از برخی ترکیبات کلی وضعیت نیز از دیگر عواملی است که سبب ضعف زبان برخی شعرها و دوری شعر از قوت و جوهره قوی شعری است؛ ترکیباتی کلیشه‌ای نظیر:

«درهای محبت»:  
درهای محبت را

بر روی دلم وا کن  
گنجایش قلبم را  
اندازه دریا کن  
(شعر دنیای قشنگ، ص ۲۱)  
«دشت‌های نیاز»:  
هوا، هوای پریدن  
به دشت‌های نیاز است  
هزار پنجره در من  
به آسمان تو باز است  
(شعر پنجره‌ها، ص ۱۶)

«درس ایمان»:  
اگر من سؤالم  
جوابم تو هستی  
سر درس ایمان  
کتابم تو هستی  
(شعر گل و نور و هستی، ص ۲۷)

«دفتر سرنوشت»:  
تیره و خط‌خطی نیست  
دفتر سرنوشت  
توی آن، صبح امروز  
چیزهایی نوشتم  
(شعر سرنوشت، ص ۸)

برخی سهل‌انگاری‌های زبانی و استفاده از شیوه بیان و جمله‌بندی زبان کهن- که محدودیت وزن و قافیه بر شاعر تحمیل کرده است- نیز سبب ضعف برخی بیت‌ها شده است. به عنوان مثال، کاربرد «ز» به جای «از» که در بافت زبان این شعر جا نیفتاده و صرفاً به خاطر رعایت وزن آمده است:

بین در خیابان و میدان شهر  
نشانی ز سرسبزی و سایه نیست  
بهار از خیابان ما رفته است  
کسی با گل و سبزه همسایه نیست  
(شعر درختان، ص ۲۸)

ضمن این‌که در بند فوق، کلمات «سایه» و «همسایه» با یکدیگر هم‌قافیه شده‌اند که صحیح نیست.

هم‌چنین کاربرد فعل «گردیدن» به جای «شدن» که آن هم به دلیل محدودیت وزن بر شاعر تحمیل شده است، صحیح به نظر نمی‌رسد:

هی می‌خورد بر سنگ‌ها  
اما ندارد خستگی  
شاید که گردیده جدا  
از ماندن و وابستگی  
(شعر رسیدن، ص ۴)

با وجود این و با نگاهی کلی به مجموعه، به نسبت آثاری که چاپ می‌شود، می‌توان آن را موفق دانست.